

ابوالفضل بیهقی

ابوالفضل بیهقی فرزند حسین ، در سال 385 ه.ق. در حارث آباد بیهق (سبزوار قدیم که امروز آن نام تاریخی را حاکمان ششونیزم قبیله پشتون ، شنیدن گذاشته اند) متولد شد. و در سال 470 ه.ق. چشم از جهان بست.

ابوالفضل اوائل عمر را در قصبه بیهق و سپس ، در شهر نیشابور به تحصیل پرداخت ، او که از دریافت و هوشمندی ویژه بر خوردار بود و به کار های فرهنگی و نویسندگی عشق می ورزید ، در جوانی از نیشابور به غزنین رفته (حدود 412 ه.ق.) جذب کار دیوانی گردید . و با شایستگی و استعدادی که داشت به زودی به دستگیری بونصر مشکان گزیده شد که صاحب دیوان رسالت محمود غزنوی بود و حدود 19 سال در سمت منشی دیوان رسالت غزنویان زیر دست بونصر مشکان کار کرد. که بعد خود از دبیران نام آور روزگار شد .

بونصر مشکان تا هنگام مرگ لحظه ای بیهقی را از خود جدا نساخت و چندان گرمی و نزدیکی می داشت که حتا نهفته ترین اسرار دستگاه غزنویان را نیز با وی در میان می نهاد، و این خود بعدها کارمایه گرانبهایی برای تاریخ بیهقی گردید، چنانکه رویدادهایی را که خود شاهد و ناظر نبوده از قول استاد فرزانه خویش نقل کرده که پیوسته «در میان کار» بوده است و در درستی و خرد بی همتا.

و در زمان مسعود غزنوی - پس از وفات بونصر مشکان ، زیر دست «بوسهل زوزنی» کار کرد. پس از مرگ مسعود - در زمان عبدالرشید - رئیس دیوان رسالت شد ولی پس از حمله مغول اموالش مصادره و خودش محبوس شد. بیهقی پس از آزادی از زندان ظاهراً دیگر وارد دربار نشد و اواخر عمر را به انزوا در منزل خود در غزنین به سر برد و به نوشتن کتاب پرداخت.

مهمترین اثر بیهقی «تاریخ آل سبکتگین» یکی از نوادر کتب تاریخ و ادب فارسی است .

کتاب موجود - به نام «تاریخ بیهقی» قسمتی از آن است. دوره کامل این کتاب به گفته «ابن فندق» بیش از سی مجلد بوده است. تاریخ بیهقی مستند به مدارک صحیح است و از موثق ترین مدارک تاریخی دوره غزنویان به شمار می رود . سبک انشای بیهقی بسیار لطیف و نمونه ای عالی از روش انشای دربار غزنوی است.

از دیگر آثار منسوب به او «مقامات بونصر مشکان» و «زینة الکتاب» است.

وی در «تاریخ مسعودی» دو جا از کتابی به نام «مقامات» یا «مقامات محمودی» یاد می کند که شاید قسمت محمودی این کتاب باشد.

بیهقی دلیل نوشتن تاریخ را آیندگان می داند و بارها آن را بیان می کند. دو شرط عمده مورخ، صداقت و اطلاع است که بیهقی - شاید بیش از خوانندگان خود- متوجه اهمیت آن بوده است و بدین جهت در هر فرصتی خاطر خوانندگان را از راستگویی و حقیقت دوستی و نیز احاطه و اطلاع خود بر اخبار اطمینان می دهد. آنچه در کتاب بیهقی آمده یا از مشاهدات و مشهودات خود او است یا اطلاعاتی که با کنجاوی بسیار از اشخاص مطلع و مربوط به دست می آورد و یا از کتابهایی که غالباً نام آنها را ذکر می کند و حتا راجع به ارزش آنها نظر خود را می گوید.

نثر بیهقی از نظر فصاحت و بلاغت نیز همواره بسیار مورد توجه بوده است. با آنکه به ذکر تاریخ می پردازد گاه از ایجازهای رسا بهره می گیرد که هرگز به اصل موضوع آسیبی نمی رساند. گاه نیز که به اطناب می پردازد نه در ذهن خواننده کسالت بار می نماید و نه از موضوع دور می شود.

بیهقی هشتاد و پنج سال زیسته و به تصریح « ابوالحسن بیهقی » در « تاریخ بیهق » به سال 470 هـ.ق در گذشته است و به این ترتیب نوزده سال پس از اتمام تاریخ خویش زنده بوده و هرگاه به اطلاعات تازه‌ای در زمینه کار خود دسترسی می‌یافته، آن را به متن کتاب می‌افزوده است. (2)

بیهقی نویسنده ای فروتن و کم ادعاست. در همان زمان که او به نوشتن کتاب خود مشغول بود، دو مؤرخ بزرگ دیگر نیز در حال نوشتن تاریخ دوران غزنویان بودند، زیرا ایشان نیز پایان کار غزنویان را نزدیک می دیدند. یکی از این دو تن گردیزی و دیگری مؤلف ناشناس تاریخ سیستان است و هر دو کتاب نیز در نوع خود نکات تاریخی بسیار دارد. اما بیهقی که تاریخی چنین ارزنده و کم نظیر پرداخته خود از ایشان و دیگر کسان که به کار تاریخ مشغول بودند چنین یاد می کند :

"مرا مقرر است که امروز که من این تألیف می کنم... بزرگانند که اگر به راندن تاریخ این پادشاه مشغول گردند... ایشان سوارانند و من پیاده... و چنان واجب کنی که ایشان بنوشتندی و من بیاموزم و چون سخن گویندی من بشنومم ... "

منابع و مأخذ

2- رجوع شود به : فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، ص 314 ،
- و صفحه : ویکی‌پدیا، دایرةالمعارف آزاد.
Jump to : [search , navigation](#)